خراسان رضوی

صفحه آخر

سه شنبه
۲۲ آبان ۱۳۹۷
۵ ربیع الاول ۱۴۴۰
۸ صفحه/ شماره ۳۹۹۱

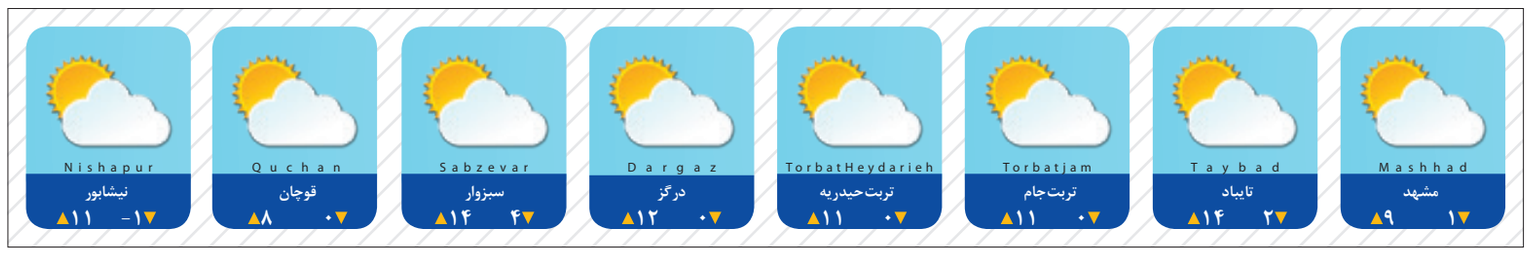

روزنامه خراسان رضوی:
رتبه یک نشریات استانی

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان
مدیر مسئول: محمد سعید احدیان
سردبیر: سیدعلی علوی

دفتر مرکزی: مشهد، بلوار شهید صادقی
صندوق پستی: ۵۱۱-۹۱۷۳۵
تلفن: ۳۷۶۳۴۰۰۰-۰۵۱

نمابر دبیرخانه: ۰۵۱۳۷۶۲۴۳۹۵
پذیرش آگهی و اشتراک: ۰۵۱۳۷۰۱۰
پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

چاپ مشهد: شهر چاپ خراسان
روابط عمومی: ۰۵۱۳۷۰۰۹۱۱۱
نمابر تحریریه: ۰۵۱۳۷۶۲۶۵۰۱

حکمت روز

پیامبر اکرم(ص):

دو خصلت است که هیچ کار خوبی بالاتر از آن دو نیست: ایمان به خدا و سود رساندن به بندگان خدا.

بحار الانوار(ط-بیروت) ج ۷۴، ص ۱۳۷، ح ۲

مناجات

خواجه عبدا... انصاری

الهی!
به عنایت ازلی تخم هدایت کاشتی، به رسالت پیمبران آب دادی
و به یاری توفیق رویانیدی و به نظر و احسان خود به بر آوردی
از لطف تو می خواهم که زهرهای خشم از آن باز داری و نسیم داد بر او بجهانی
و کاشته عنایت ازلی را به رعایت ابدی مدد کنی.

با شاعران

مشهد # Mashhad

شهر و استان در شبکه‌های اجتماعی

خبر گزاری میزان این عکس را از آخرین روزهای حضور داریوش ارجمند در مقابل دوربین فصل سوم سریال «ستایش» منتشر کرده و نوشته است: «۸۰ درصد از فیلم برداری فصل سوم ستایش به تهیه کنندگی آرمان زرین کوب و کارگردانی سعید سلطانی به پایان رسید. ادامه فیلم برداری مجموعه تلویزیونی ستایش در تهران صورت می گیرد و تدوین آن نیز همزمان انجام می‌شود. بر این اساس به زودی عوامل تولید این مجموعه به دو شهرستان بندرعباس و لامسر سفر می کنند تا سکانس‌های مربوط به این بخش از سریال نیز فیلم برداری شود. به گفته فرهاد جم زمان پخش برعهده شبکه و مسئولان فیلم است، اما از آن جایی که فیلم برداری ستایش ۳ دو ماه دیگر به پایان می‌رسد، اگر گروه بخواهد اثر را بلافاصله هم روی آنتن ببرد این سریال به پخش زمستان می‌رسد.

محمدرحیم نوروزیان، معاون سیاسی و امنیتی استاندار خراسان رضوی که به تازگی سفری به شهرستان خواف داشت، در صفحه اینستاگرام خود از جایگاه تاریخی این شهر و بناهای آن نوشت: «سفر کاری یک شنبه ها که امروز به شهرستان خواف صورت گرفت، فرصتی شد تا در پایان کار از بنای تاریخی متعلق به دوره تیموری معروف به غیاثیه بازدیدی داشته باشیم که بر اساس اعلام مسئول میراث فرهنگی، این بنا یکی از مدارس نظامیه بوده. زیبایی و تقارن و دقت در معماری این بنای ارزشمند بسیار جذاب و دیدنی است. منطقه خواف آثار بسیاری داشته که متاسفانه بیشتر آن ها تخریب شده و از بین رفته. با این حال باید برای مرمت و حفظ این بنا به دوستان میراث دست مریزاد گفت. دیگران از هیچ برای خود تاریخ سازی می کنند ما آن قدر آثار تاریخی در جای جای این سرزمین داریم که بعضا به درجه اهمیت آن توجه نمی کنیم...»

رضا رفیع مجری و طنزپرداز خراسانی که سری به منزل مرحوم استاد باستانی پاریزی زده بود، یادداشت مفصلی را در باب مشاهدات و علاقه اش به استاد منتشر کرد که در بخشی از آن آمده است: «... لحظاتی در اتاق استاد و در کنار تخت استراحتش نشستم و با اجازه پسر بزرگ ایشان، آقای مهندس، عصای استاد را برداشتم و در دست گرفتم. عین عکسی که کنار تخت قرار داشت. عصایی که همیشه در دست استاد باستانی می دیدم و می نگریستم که چگونه دست به عصا راه می رود. نگاهی به عصا کردم و با خود گفتم: عصا برگرفتن، نه معجز بود/ همی ازدها کرد باید عصا
پسر استاد، در کنار پنجره اتاق پدر، لانه گنجشک هایی را نشانم داد که دکتر باستانی پاریزی، خود به آن ها غذا می داده و همسفره هم بودند. او هرگز با عصایش آن ها را کیش نکرده و نگفته است: گنجشکک اشی مشی، برو لب بوم ما مشین... بلکه در را باز می کردند و گنجشکک ها را به داخل تعارف می کردند که: بیا تو... بارون میاد خیس میشی... روح طنز لطیف و باران خورده‌ای داشت مرحوم باستانی پاریزی...»

به روایت تاریخ

غلامرضا آذری خاکستر

نهضت مدرسه سازی صفویان با اتکا به سنت وقف

از مدارس ایتام تا مراکزی برای پرورش دانشمندان

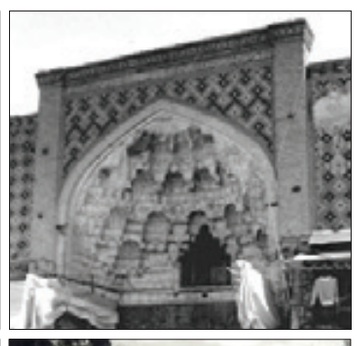

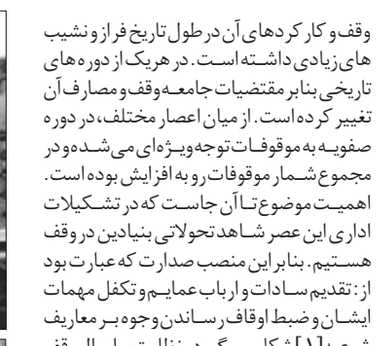

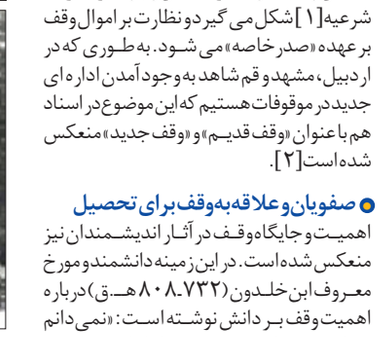

وقف و کارکردهای آن در طول تاریخ فراز و نشیب های زیادی داشته است. در هریک از دوره های تاریخی بنابر مقتضیات جامعه وقف و مصارف آن تغییر کرده است. از میان اعصار مختلف، در دوره صفویه به موقوفات توجه ویژه‌ای می شده و در مجموع شمار موقوفات رو به افزایش بوده است. اهمیت موضوع تا آن جاست که در تشکیلات اداری این عصر شاهد تحولاتی بنیادین در وقف هستیم. بنابر این منصب صدارت که عبارت بود از: تقدیم سادات و ارباب عمایم و تکفل مهمات ایشان و ضبط اوقاف رساندن و وجوه بر معاریف شرعیه[۱] شکل می گیرد و نظارت بر اموال وقف بر عهده «صدر خاصه» می شود. به طوری که در اردبیل، مشهد و قم شاهد به وجود آمدن اداره ای جدید در موقوفات هستیم که این موضوع در اسناد هم با عنوان «وقف قدیم» و «وقف جدید» منعکس شده است[۲].

● صفویان و علاقه به وقف برای تحصیل

اهمیت و جایگاه وقف در آثار اندیشمندان نیز منعکس شده است. در این زمینه دانشمند و مورخ معروف ابن خلدون (۷۳۲-۸۰۸ هـ.ق) درباره اهمیت وقف بر دانش نوشته است: «نمی دانم خداوند چه عنایتی به مشرق مبذول فرموده است، ولی گمان می کنم رواج بازار دانش و پیوستگی سند تعلیم در دانش ها و دیگر صنایع ضروری و کمالی در آن سرزمین به سبب فراوانی عمران و ترقی تمدن و شهرنشینی و کمک کردن به طالبان دانش از راه وظایف و مقرری هایی است که از اوقاف برای آنان معین می شود و در نتیجه توسعه یافتن اوقاف، موجبات رفاه طالبان علم فراهم می آید.[۳]»

توجه به علم و دانش در عصر صفویه تا جایی است که اگر گزارش خوانساری (ادیب، مورخ و فقیه) درست باشد، او می گوید که شاه اسماعیل یکم هر سال مبلغ هفتاد هزار دینار شرعی برای محقق کرکی (از علمای بزرگ عصر صفوی) می فرستاده تا به مصرف تحصیلی او و گروهی از طلاب و مشتغلان برسد[۴]. نهضت مدرسه سازی در عصر صفویه موجب می شود تا در دیگر شهرهای ایران شاهد تاسیس مدارسی بر اساس وقف باشیم به طوری که در شهر اصفهان مدارسی چون: مدرسه الماسیه، چهارباغ، سلطانی، شفیعیه، آقا کافور، آقا کمال، جده کوچک و مدرسه جده بزرگ تاسیس[۵]. یا مقارن این ایام در شهر مذهبی قم مدرسه مؤمنیه و مدرسه خان وقفی شوند. سیاست حکومت صفویه مبنی بر ترویج و اشاعه مذهب تشیع در ایران بود، بنابراین گام های اساسی و مهمی در جهت بزرگداشت عالمان دینی و روحانیون، برداشته می شود به طوری که در این دوره در شهر مشهد ۱۰ مدرسه علمیه احداث شده است.[۶]

● مکتب خانه‌ای برای کودکان یتیم

سلاطین صفویه در جهت اعتلای شعائر مذهب شیعه سعی وافر داشتند، بنابراین خراسان و به خصوص مشهد امور مورد توجه خاص قرار می دهند. هرات در عهد شاه اسماعیل اول از دارالملک خراسان خارج شد و جای آن را مشهد گرفت[۷]. توجه به وقف و آموزش در دوره صفویه موجب می شود تا در میان اسناد با شکل جدیدی از وقف مواجه شویم بدین شرح که: «طبق حکم شاه عباس در سال ۱۰۲۴ هـ.ق دو عشر مالیات اراضی مزروعی کلات و وقف آستان قدس شده است. طبق این سند همگی دو عشر معمولی اراضی مزروعی دارالثبات کلات را که از جمله مداخل مالیاتی بی شبهه این دولت ابد مدت است، وقف سرکار فیض آثار و اگذاشتم که عالیجاه تولیت و اقبال پناه متولی آن سرکار موهبت مدار هر ساله مقدار ده خروار غله را به جهت مدد معاش یک نفر طالب علمی که به زیور صلاح و سداد آراسته باشد و تواند که با امام جماعت آن جا قیام نماید که تعیین کند داده باشد و تتمه را بعد از وضع یک عشر حق التولیه شرعی خود به مصارف مقرره از خرج شماع خانه منوره و راتبه واسعه و ارباب وظایف برساند...[۸]»

همچنین اختصاص موقوفاتی به مکتب خانه و مدارس موجب رونق علم و دانش در شهر مشهد می شود، به طوری که تعداد زیادی از طلاب از سراسر خراسان برای تحصیل به مشهد روی می آورند. شاه تهماسب (دومین پادشاه صفوی)، دستور ساخت چندین مکتب خانه در شهرهای مشهد، سبزوار، استرآباد، قم، کاشان، یزد و تبریز را برای کودکان یتیم صادر می کند[۹]. بر این اساس در مشهد و در سال های ۹۳۰ تا ۹۸۴ ق. مکتب خانه اطفال ایتام در حریم قدس رضوی تاسیس می شود. در این مرکز آموزشی، چهل پسر و چهل دختر یتیم، زیر نظر معلمان مرد و زن شیعه مذهب و پرهیزگار تحصیل می کردند و از نظر لباس و دیگر مایحتاج، به طور رایگان تامین می شدند و هنگامی که به سن بلوغ می رسیدند، هریک با دیگری ازدواج می کردند و به جای آن ها طفلان یتیم دیگری می آوردند[۱۰].

● هشت وقف نامه اختصاصی برای تدریس و تحصیل

در بررسی ۵۰ مورد وقف نامه آستان قدس در دوره صفویه تعداد هشت وقف نامه اختصاص به هزینه های طلاب و آموزش و مدارس دارد. که این واقفان عبارت اند از: گنجعلی خان زیگ (۱۰۰۸ ق.)، مهدی قلی بیگ میرآخور باشی (۱۰۱۱ ق.)، عباسقلی خان (۱۰۷۸ ق.)، میرزا محمد کاملا کرمانی (۱۰۸۴ ق.)، سعدالدین محمد وزیر (۱۰۸۷ ق.)، برهان الدین محمد کاشانی (۱۱۰۰ ق.)، میرزا محمد فرزند میرزا عادل خان (۱۱۱۸ ق.) و محمودبیگا (۱۱۲۰ ق.)

● مدرسه خیرات خان

مدرسه خیرات خان در سال ۱۰۵۷ ق. همزمان با حکومت شاه عباس دوم توسط یکی از اشراف و بزرگان آن روزگار به نام خیرات خان احداث شده است. وجود استادان برجسته و دانش پژوهان بسیار به همراه موقوفات فراوان به مدرسه رونق فزاینده بخشیده بود، اما دیری نپایید که با افول حکومت صفویان آن رونق و شور علمی به سردی گرایید[۱۱]. در اسناد موجود آن چه از موقوفات مدرسه نام برده شده عبارت اند از: ۱۶ در بند مغازه متصل به مدرسه که در دو طرف این بنای تاریخی قرار داشته اند و تعدادشان اتاق در پشت مدرسه که به عنوان مسافرخانه از آن استفاده می شده است.

● مدرسه میرزا جعفر

این مدرسه از جمله بناهای تاریخی است که در دوره صفویه به هنگام سلطنت شاه عباس دوم (۱۰۷۷-۱۰۵۲ هـ.ق) در گوشه شمال شرقی صحن عتیق ساخته شد و در سال ۱۰۷۹ ق. موقوفاتی بر آن نهاده اند. ولی از آن جا که میرزا جعفر تصدی ساخت آن را بر عهده داشته و رقباتی هم وقف مدرسه کرده است مدرسه به نام میرزا جعفر مشهور شده است. طبق وقف نامه ای که میرزا جعفر در سال ۱۰۷۹ هـ.ق نوشته، موقوفات آن شامل حدود ۳۰ دکان، یک آسیاب، دو تیمچه و دو حمام در شهر مشهد بوده است.

● مدرسه فاضل خان

این مدرسه ابتدای بست بالا خیابان و توسط برادران فاضل تونی و ملا عبدا... و ملا احمد که خود از علمای دینی و مدرسان نامی خراسان بوده اند، در زمان شاه عباس دوم به سال ۱۰۵۷ ق. ساخته شد. مدرسه فاضل خان دارای دو موقوفه مفصل است. یکی به میرزا محمد کاملای کرمانی در سال ۱۰۸۴ ق. و دیگری موقوفه مربوط به روستای محمدآباد در مجاورت شهر مشهد است که در سال ۱۱۰۰ ق برهان الدین محمد حسینی کاشانی آن را خریداری و وقف آشپزخانه سرکار فیض آثار و مدرسه فاضل خان کرده است.

● مدرسه عباسقلی خان

عباسقلی خان، پسر حسن خان شاملویکی از رجال سیاسی و نظامی و دانش دوست و خیر صفوی است که مدتی قورچی شمشیر و بعد از آن داروغه قم شد. بعد از فوت پدرش در سال ۱۰۵۰ ق. به دستور شاه صفی، حاکم مستقل هرات و بیگلربیگی خراسان شد. از عباسقلی خان مدرسه علمیه ای در حاشیه جنوبی پایین خیابان مشهد باقی مانده است. این مدرسه دارای موقوفات مزروعی بی شمار بوده و املاک موقوفه آن از خارج دروازه شرقی مشهد تا شهر هرات ادامه داشته است. عباسقلی خان پس از بنای مدرسه یاد شده املاکی را در مشهد مقدس، دارالسلطنه هرات، ولایت جام، باخرز، فراوه و بادغیس بر آن وقف کرده است[۱۲].

● مدرسه باقریه (سمیعیه)

مدرسه باقریه از جمله مدارس تاریخی حوزه علمیه مشهد محسوب می شود که در دوره صفویه به دستور ملا احمد باقر خراسانی سبزواری (۱۰۹۰ ق) و هزینه و اهتمام ملا محمد سمیع از اشراف و بزرگان روزگار شاه سلیمان صفوی احداث شد. بنابراین در ابتدا به نام مدرسه سمیعیه مشهور بود و چون ملا محمد باقر سبزواری در آن به تدریس علوم دینی می پرداخت و پاره‌ای ملک و مستغلات و کتاب بر آن وقف کرد بعدها به باقریه شهرت یافت و در قسمت شمالی خیابان نادری نزدیک بست (فلکه حضرت) قرار گرفته است[۱۳].

● مدرسه نواب

میرزا صالح نقیب رضوی در سال ۱۰۸۶ ق مدرسه نواب را ساخته است. این مدرسه از نظر فضای علمی و نیز تربیت دانشمندان و شخصیت های برجسته علمی، فرهنگی و سیاسی و همچنین از جنبه هنر و معماری اسلامی اهمیت ویژه‌ای دارد و چندین سده به عنوان یکی از مدارس معتبر در خور توجه و مرکز علم و دانش شناخته می شد[۱۴].

● مدرسه پایین پا (سعدیه)

مدرسه سعدیه در جنوب صحن جدید حرم مطهر و شرق مسجد گوهرشاد متصل به مقبره شیخ بهایی قرار داشت. بنیان گذار آن وزیر کل پیشکار مالیه خراسان در عهد سلطنت شاه سلیمان صفوی به نام میرزا سعدالدین است که در سال ۱۰۸۷ ق آن را ساخته است. واقف شرایط پذیرش در این مدرسه را چنین بیان کرده است: هر کس را که قابل سکنی داند و به صفات حمیده مذکوره سابقه مشروطه موصوف بیند در چشم و روی مدرسه جای داده... بعضی که اراده سفر مکه معظمه نمایند تا یک سال و اگر عزیمت عتبات عالیات کنند تا شش ماه و اگر اراده وطن مالوف خود نمایند تا چهل یوم، متولی شرعی با وجود نایب قابلی که گذارند، انتظار آن شخص می کشیده باشد و بعد از انقضای آن مدت به هر کس که قابل داند، سکنای آن حجره را اصالة مفوض دارد.

● مدرسه حاج حسن (بهزادیه)

این مدرسه را ملک بهزاد از بزرگان و اشراف عصر صفویه، در زمان سلطنت شاه سلیمان صفوی (۱۱۰۶-۱۰۷۷ هـ.ق) در بالا خیابان احداث کرد.

● مدرسه رضوان (خواجه رضوان)

مدرسه رضوان در سال ۱۰۹۶ ق توسط خواجه رضوان از اشراف و بزرگان دوره صفویه احداث شده و شش در بند مغازه در بازار زنجیر از موقوفات آن بود. با بررسی وقف نامه شرایط سکونت در مدرسه را واقف چنین تعیین کرده است: «طلبه مجرد باشد، بیشتر از ۱۲ سال حق سکونت در مدرسه را ندارد، اهل دخانیات نباشد، طلبه های مدرسه حق بیتوته در غیر مدرسه مذکور را ندارند، طلبه ها موظفند در هر صبح و شب نیم جزء قرآن بخوانند و ذکر مصیبتی هم بکنند و طلبه های ساکن در مدرسه از پنج نفر بیشتر نشوند.» تاسیس و گسترش مدارس موجب شده در عصر صفویه شاهد تحول علمی در شهر مشهد باشیم. اختصاص موقوفات به علم و دانش کمک می کند تا این مدارس در دیگر ادوار هم رونق داشته باشد. در واقع وقف مدارس موجب می شود جامعه همواره از پویایی برخوردار باشد. مهم ترین اثر به جامانده از موقوفات مدارس آستان قدس، رونق علم و دانش و تربیت طلاب و علما در ادوار مختلف است.

منابع: [۱]. نظام قضایی عصر صفوی. ویلم فلور. ترجمه حسن زندیه. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه. ۱۳۸۱، ص ۱۰۸/ [۲]. نظام قضایی عصر صفوی. ص ۱۰۸-۱۰۹/ [۳]. مقدمه ابن خلدون. عبدالرحمن ابن خلدون. ترجمه محمد پروین گنابادی. ج ۲. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب. ۱۳۳۷، ص ۸۹۴-۸۹۵/ [۴]. روضات الجنات فب احوال العلما و السادات. محمد باقر خوانساری. ترجمه محمد باقر ساعدی. ج ۵. تهران: اسلامیه. ۱۳۵۵، ص ۱۷۰/ [۵]. ساختار و نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی: (تاریخ تحولات دینی ایران در سده های دهم تا دوازدهم قمری). منصور صفت گل. تهران: خدمات فرهنگی رسا. ۱۳۸۱، ص ۳۳۱-۳۳۹/ [۶]. حوزه علمیه خراسان. محمود پسندیده. ج ۱. مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی. ۱۳۸۵، ص ۱۹۱/ [۷]. بررسی تاریخی خیابان (چهارباغ) شهر مشهد در عصر صفویه (۱۰۲۰-۱۰۱۶). مهدی حقیقت بین و دیگران. مجله پژوهش های تاریخی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان. (زمستان ۱۳۸۸). شماره ۴، ص ۸/۳۸. مرکز اسناد آستان قدس رضوی. سند شماره ۸۲۵۱۰/ [۹]. تاریخچه مکتب خانه ها و مدارس قدیم آستان قدس رضوی با تکیه بر اسناد (صفویه تا قاجاریه). فاطمه جهانپور مشهد: سازمان کتابخانه ها، موزه ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی. ۱۳۸۷، ص ۲۴/ [۱۰]. همان، ص ۳۷-۳۸/ [۱۱]. حوزه علمیه خراسان. ج ۱، ص ۱۳۹/ [۱۲]. بیست وقف نامه از خراسان. مشهد. رضا انزابی نژاد و دیگران. مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی. ۱۳۸۸، ص ۱۴۰-۱۴۱/ [۱۳]. مدارس قدیم مشهد. محمود فاضل. مجله وحید. شماره ۱۱۲. ۱۳۵۲، ص ۷۵/ [۱۴]. حوزه علمیه خراسان. ج ۱، ص ۲۰۸

یادداشت

دکتر فرانک حسنی

استاد دانشگاه و مدیر شهرسازی دفتر همکاری های علمی دانشگاه فردوسی و شهرداری مشهد مقدس

سازایران شهری در دستانِ شهرسازان ایرانی

با گذار هر ساله از روز جهانی شهرسازی، پی به این مهم می بریم که تمام اهم این روز در طی این سال ها به برگزاری مراسم و همایش هایی در جهت گنجاندن واژگان، رویکردها و تکنیک های جدید جهانی در عرصه شهر و شهرنشینی، خلاصه می شود. رویکردی جهانی که شاید هیچ گاه خواست شهرهای ما نبوده و نخواهد بود. این را نه به واسطه نظر شخصی بلکه با دید جمعی و حال کنونی شهرها می توان پیوند داد.

درست است که با توجه به فرایند شکل گرفته ذهن های مان، شهرها نیاز به ساختاری سیستمی دارند و مایل به به روز رسانی متناسب با رویکردهای جهانی هستند اما آیا واقعا شهرهای ایران خواستار این مهم یا بهتر بگویم خاستگاه آن هستند؟

از نگاه من آن چه که شهرهای با قدمت مان نیاز دارد، این است که همچون کالبد انسان به آن نگاه کنیم اما نه نگاه امروزی یعنی کالبد صرف... بلکه همان طور که هر انسان با کالبد مشابه، معنا، عملکرد و باز خورد متفاوت دارد؛ شهرها نیز با همین تشابه فرمی (کالبدی)؛ نیازمند توجه، برنامه و طرح منحصر به فرد خود هستند که این رفتار باید از ظرفیت های بالفعل و بالقوه هر شهر، در درجه اول و نیاز و تقاضای شهروندان آن شهر، در درجه دوم نشئت بگیرد. بنابراین می توان این طور بیان کرد که شهرسازی باید اصیل، خودجوش و دارای شخصیت باشد و از بطن جامعه ایران شهری شکل بگیرد و بیرون آید و تا زمانی که این شخصیت به کالبد شهرهای ایران نفوذ نکند؛ رنگ بی هویتی بر چهره شهر و شهروندانمان باقی خواهد ماند.

همان طور که اذعان دارید؛ یک شخصیت بدون کیفیت، محکوم به نابودی است بنابراین اگر در جهت بهبود شهر و شهرنشینی قدمی برمی داریم باید به ارتقای کیفیت محیط ایران شهری بینجامد نه این که تنها رنگ و لعابی بر تن کهنه شهرهایمان باشد.

نگاه به کهنه شهرهای ایران با سوابق تاریخی و فرهنگی شان، باید از دو منظر صورت بگیرد:

۱) نگاه به وحدت کلی ایران شهری در عین کثرتی که در این سال های متمادی داشته است.

و ۲) نگاه به رنگ تعلق ایران و ایرانی در محدوده زندگی شهروندان.

بگذارید این دو نگاه را با یک مثال ساده این طور بیان کنم که؛ زمانی که برون گرایی در شهرهای معنادار و زیبای درون گرای مان رخنه کرد؛ مردمانمان خود را پشت چندین لایه پرده در خانه شان پنهان کردند تا محرمیت شان حفظ شود (نگاه اول) و گذشته درون گرای خود را تا هم اکنون نیز دارند به دوش می کشند (نگاه دوم).

بنابراین امروزه شهرهای ایران تشنه معنای درونی خود در کالبد و عملکرد به جامانده و در حال انقراض امروزی است و این امر میسر نمی شود مگر این که تقلید را کنار بگذاریم و فکری به حال کهنه شهرهای خوش سیما شده اما دردمندمان بکنیم. در واقع این تدبیر باید توسط نیروی محصل و متخصص ایرانی صورت بگیرد و چه نیرو و بازوانی بهتر از جوانان خوش فکر ایرانی که متواضعانه خواستار بازگشت هویت و خاطره ایران شهری به این مرز و بوم هستند و این حُسن ختامی است گره خورده با همان حُسن آغاز کلام: «ساز ایران شهری در دستانِ شهرسازان ایرانی».

بریده کتاب

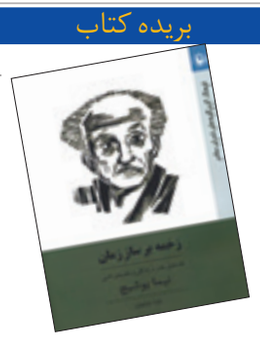

*حس به جایی می رسد که وسیله برای بیان آن نیست، اگر باشد فرصت عمر برای آن نیست.

*آدم همین که کسی شد و به جست و جوی آدمیت رفت، دوست را ترجیح می دهد بر خویش و قوم و با انتخاب و ذوق و سلیقه خود معاشرت می کند.

*می گویند چرا اشخاص بدبین می شوند؟ مسئله این است که بدبینی را وضع زندگانی به مردم می آموزد.

*عکس و آینه و طفل ساعت عمر انسان هستند که هر سه نزدیک شدن مرگ را خبر می دهند.

*«عادت»، قانون حیات است. اگر نبود زندگانی صورتی بسیار عبوس و تلخ داشت.

زخمه بر ساز زمان - نویسنده: نیما یوشیج

دیالوگ

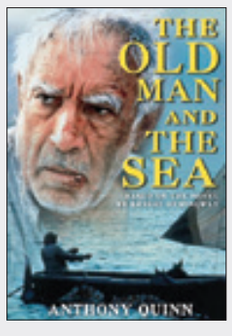

خب بهتره به چیزهایی که ندارم فکر نکنم، به جاش به چیزهایی که دارم فکر می کنم من یه عالمه امید دارم، بهتره به امید فکر کنم.

پیرمرد و دریا - کارگردان: جان استرجز